

اخبار از ایران!



مجروحانی که در حادثه کوی دانشگاه وضعیت بدی داشتند از ناحیه سینه مورد اصابت چاقو قرار گرفته بودند. بقیه در صفحات ۶ و ۷ و ۸

اعلامیه شماره ۲
کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

به گلوله بستن تظاهر کنندگان را محکوم می کنیم!



بقیه در صفحه ۲

بیانیه کانون نویسندگان ایران

درباره‌ی رویدادهای خونین اخیر

بقیه در صفحه ۵

وقتی مردم تمامی معادلات را بر هم می ریزند!



بقیه در صفحه ۳

ارژنگ بامشاد

گزارش یک پزشک!

پس از تیراندازی مزدوران رژیم به مردم معترض در تظاهرات میلیونی تهران!

صفحه ۷

* دیدگاه *

سخنرانی اوبا و حقه بازی لیبرمان فر خاور میانه ای رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا

ویچسلاو تتیوکین (Vicheslav Tetyokin) ترجمه: ا. م. شیرینی



بقیه در صفحه ۴

برای اولین بار نیروی ویژه پلیس نقش حائل ایفا می کند!

روبرت فیسک - برگردان نسرین ابراهیمی - بقیه در صفحه ۲

این نوشته یک دانشجوی پزشکی است.

بقیه در صفحه ۲

آرزوی یک شاخه زیتون!

بقیه در صفحه ۴

لاله حسین پور

به گلوله بستن تظاهر کنندگان را محکوم می کنیم!



بنا بر اخباری که توسط پرستاران و پزشکان بیمارستان رسول اکرم منتشر شده، تنها در این بیمارستان ۸ نفر از کسانی که در جریان تیراندازی پایگاه بسیج به تظاهرات کنندگان مجروح شده بودند درگذشته اند. تعداد زخمی های بستری در این بیمارستان ۲۸ نفر گزارش شده است. پرستاران و پزشکان این بیمارستان در یک اقدام شجاعانه علیه به گلوله بسته شدن تظاهرات مسالمت آمیز مردم در روز دوشنبه دست به یک راه پیمایی اعتراضی جلوی محوطه بیمارستان زده و بی اعتنا به خبرگزاری های رژیم که جز سرهم کردن اخبار غیر واقعی و پوشاندن واقعیات کار دیگری نمی کنند خود امر خبر رسانی به توده ها را در دست گرفتند. اخبار این جنایت رژیم توسط ویدیو کلیپ ها به سراسر جهان مخابره شده است. رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در هراس از گسترش حرکت اعتراضی میلیونی توده های ناراضی و محق یابی جنبش رو به گسترش آنها، به روی مردم آتش می گشاید. این ویژگی اقلیت های حاکم است. آنها چون زیر پایشان را خالی می بینند در برخورد به تظاهرات میلیونی وحشت زده شده و به جاقو و باتوم و گلوله متوسل می شوند. رژیم جمهوری اسلامی باید از سلف خود درس بگیرد. اگر رژیم سلطنتی از شکنجه و زندان و تیرباران و به گلوله بستن مردم طرفی بست اینها هم طرفی می برند. ولی دیکتاتور ها شاگردان ابله کلاس تاریخند.

ما ضمن محکوم کردن کشتار تظاهرکنندگان خواهان شناسایی و محاکمه علنی عاملین و عامرین این جنایت علیه جنبش اعتراضی مردم هستیم. کلیه دستگیرشدگان اعتراضات اخیر و نیز کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی، بویژه فعالین جنبش کارگری و نیز فعالین همه جنبش های اجتماعی باید فوراً و بی قیدو شرط آزاد شوند. در نبرد بین توده های آزادی خواه و عدالت جو با متقلبین و ستمگران و استثمارگران پیروزی از آن توده هاست.

سرنگون باد جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی

زنده باد سوسیالیسم

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۲۶ خرداد ۱۳۸۸



این نوشته یک دانشجوی پزشکی است.

واقعا متأسفم از شرایطی که این روزها می بینم. من کاری به بحث هایی که تا اینجا شده ندارم چون نه توان بحث دارم نه تحمل اینهمه ندیدن و نشنیدن!

من فقط چیزهایی رو که به عین دیدم رو میگم. من دانشجوی پزشکی هستم. دیشب اورانس یکی از بیمارستان های اصلی ما قیامت بود. در حالی که قرار بوده تمام مجروح ها به بیمارستان های بقیه الله و بیمارستان های ارتش برده بشن اونقدر زخمی بوده که به تمام بیمارستان ها سر ریز شده. دیشب نه نفر تو بیمارستان ما فوت شدند و ۲۸ زخمی تیر خورده بودند. تا صبح همه مسئولای دانشگاه تو بیمارستان گریه میکردند. جنازه های کشته شده ها رو با وانت بردند!!! حتی نداشتند کسی اسم و رسمشون رو بفهمه. به کسانی که حتی حرمت مرده رو نگه نمی دارند چی میشه گفت؟

کسی حق نداره با زخمی ها صحبتی کنه یا اطلاعاتی بگیره. صبح امروز استادها و دانشجوها در اعتراض به برخورد به برخوردهایی که شده و اینهمه کشته اعتصاب کردند و تو محوطه بیمارستان جمع شده اند ولی نیروهای ضد شورش و لباس شخصی وارد جمع شده اند و درهای بیمارستان رو بستند و زندانی شون کردند. اونقدر اوضاع زخمی ها خراب هست که اورژانس ما که قوی ترین طب اورژانس رو داره از دانشجوها خواسته که هرکسی که می تونه بمونه و کمک کنه. امشب مطمئنا اوضاع بدتر هم میشه.

به تمام این جنایت ها چی میشه گفت؟ به خانواده پسر ۱۳ ساله ای که با گلوله کشته شده و حتی از جنازه اش خبری نیست چی می تونید بگین؟

دیگه بحث تقلب نیست. دیگه بحث ندیدن رای نیست. بحث ظلم عظیمی هست که به مردم می کنند. دست هر بچه ۱۳ یا ۱۴ ساله به باتوم هست که بزنه تو سر و صورت به عده خس و خاشاک!!! یه عده اوباش! همین چیزهاست که باعث میشه از خوندن این بحث ها حالم خراب بشه. از اینکه یه عده دوست دارند چشم و گوششون رو ببندند و بگن که اینهمه اعتراض به خاطر دشمنی با نظام و رییس جمهوره!! نه! اعتراض مردم به ظلمی هست که آشکارا به مردم میشه! و سیعلم الذین ظلموا

برای اولین بار نیروی ویژه پلیس نقش حائل ایفا می کند!

روبرت فیسک - برگردان سهرین ابراهیمی

گزارش زیر از روبرت فیسک است که از نشریه ایندپندنت در تاریخ ۱۷ ژوئن بر گرفته شده است.

بالاخره در آخر شب دیشب ۲۶ خرداد، پس از روزها درگیری و خشونت، هواداران محمود احمدی نژاد در تقاطع بزرگراه شمال و نیک با جمعیت خشمگین مردمی که مصممات می گفتند که موسوی باید رئیس جمهور میشد و در حال شعار دادن بودند روبرو شدند و اتفاقی غیر قابل باور رخداد. در این میان گاز اشک آور و سنگها بود که پرتاب میشد، در حالیکه من در آنجا حضور داشتم شاهد این بودم که که ۴۰۰ نیروی ویژه پلیس، دو طرف راز هم دور نگه میداشتند و این برای اولین بار بود که پلیس در این بحران حماسی قول میداد که از هر دو طرف محافظت کند.

در حالیکه میلیشاهای شبهه - اوباش جمهوری اسلامی با شلوارهای مخصوص ویلوزهای کاملاً سفید چند متر آنطرفتر ظاهر می شدند، خامی میاتسال به نیروهای ویژه پلیس که باجلیقه های ضد گلوله و کلاه خود در آنجا حضور داشتند گفت خواهش میکنم، خواهش میکنم بسیجیها را از ما دور کنید. مامور پلیس در حالیکه لبخند میزد گفت "به کمک خدا" و دو پلیس دیگر شانه هایشان را بالا انداختند. جمعیت فریاد بر آورد متشکریم، متشکریم.

و این پدیده ای بیسابقه و تحیر برانگیز بود، نیروهای ویژه مسلح جمهوری اسلامی، پشتیبانان همیشگی بسیج بودند، اما این بار به نظر میرسید که برای اولین بار آماده اند تا نه فقط اژدار و دسته احمدی نژاد بلکه از همه ایرانیان محافظت کنند.

البته سابقه این بیطرفی ناگهانی برای همه کس روشن است، و آن در سال ۱۳۵۷ هنگامی بود که ارتش شاه از آتش گشودن بر روی میلیونها تظاهر کننده که خواهان بر کناری او بودند خود داری کرد.

وقتی مردم تمامی معادلات را بر هم می ریزند!

ارژنگ بامشاد

حوادث گزین کرده است. رئیس دانشگاه شیراز از سمت خود استعفاء داده و ۱۵۰ تن از استادان دانشگاه های تهران با امضای نامه ی اعتراضی، به تعرض لباس شخصی ها به محیط دانشگاه و خوابگاه ها اعتراض کرده اند. همه این اقدامات بازتاب فشار خیابان یا فشار جنبش قدرتمند توده ای از پائین است.

فریاد اعتراضی مردم ایران، علیرغم حجم وسیع سانسور خبری، در چهاردیواری مرزهای ایران محصور نمانده است. جوانان این مرز و بوم با ابتکارات گوناگون، اخبار مبارزات مردمی و جنایات رژیم را به سراسر جهان مخابره می کنند. جوانان نسل دومی و دانشجویان ایرانی در خارج کشور به همراه مهاجرین و پناه جویان ایرانی در سراسر جهان، حرکت های اعتراضی و روشنگرانه ی گسترده ای را سازمان داده اند. این حرکت ها، بخش اعظم پایتخت ها و شهرهای بزرگ کشورهای اروپایی و آمریکا و کشورهای شرق دور و همسایه گان غربی و جنوبی را در بر گرفته است. قدرت جنبش اعتراضی مردم و فعالیت جوانان نسل دومی و دانشجویان و فعالین سیاسی خارج از کشور، باعث شده که تقریباً تمامی رسانه های اروپایی و آمریکایی به انعکاس گسترده این جنبش بپردازند. بیداری افکار عمومی جهان از کودتایی که در ایران به وقوع پیوسته و مقاومت ضد کودتایی گسترده و مسالمت آمیز مردم ایران، فشار بر رهبران این کشورها را به شکل آشکاری بالا برده است.

دستاوردهای تاکتونی جنبش اعتراضی و مقاومت ضد کودتایی مردم ایران، تا همین جا هم غرور انگیز است. بساط وحدت در میان بالایی ها را بر هم زده است. قدر قدرتی ارگان های سرکوب رژیم را تضعیف کرده است. سناریوهای پوشالی ضدشورش نیروهای بسیجی و سپاه و لباس شخصی ها که سال ها برای مقابله با مردم در چنین روزهایی آموزش دیده بودند، را از کارائی انداخته است. روحانیون را بر سر دوراهی قرار داده، حمایت و هم دردی بین المللی بدست آورده و توجه افکار عمومی را به مبارزات خود جلب کرده است.

اکنون که حرکت توده ای و مسالمت آمیز مردمی ارکان نظام اسلامی را لرزاند است و بی حقی مردم در این نظام را به روشنی عیان ساخته است، باید با هوشیاری تمام بر تداوم آن تأکید کرد. جنبش مردمی برای تداوم، به آن نیاز دارد که از یک سو هر چه بیشتر توده ای شود. شهرهای کوچک و بزرگ را در بر بگیرد. اقشار مختلف مردم از کارگران و زحمت کشان، زنان، دانشجویان و جوانان و خلق های تحت ستم را در اتحادی تنگاتنگ متحد کند و خواست های مشترکشان را بیان سازد. از تمامی امکانات موجود برای متشکل شدن بهره جوید و برای این که هر چه گسترده تر شود باید بر خصلت مسالمت آمیز آن تأکید کرد و اجازه نداد خشونت طلبان کودتاچی، اقشار مختلف مردمی را به خشونت تحریک کنند. باید راه های مقاومت و نافرمانی مدنی را بیش از پیش یافت و به کار گرفت. تظاهرات و جنبش اعتراضی مردمی، اگر بخواهد بر قدرت خود بیافزاید، ناگزیر است که روی اعتصابات کارگری حساب ویژه ای باز کند. و در این میان فعالین چپ و مترقی و پیشروان جنبش کارگری نقش ویژه ای بر عهده دارند.

۲۷ خرداد ۱۳۸۸



حرکت های توده ای و مسالمت آمیز مردمی در اعتراض به تقلب آشکار در انتخابات و کودتای دستگاه ولایت، به سرعت در حال گسترش است. اعتراضات مردمی، شهرهای مشهد، اصفهان، شیراز، کرمان، تبریز، یزد و بسیاری از دیگر شهرها را در بر گرفته است. جنبش اعتراضی مردمی، علیرغم آن در حال گسترش است که؛ وزیر کشور و وزیر اطلاعات دولت کودتا، مردم را از برگزاری تظاهرات غیرقانونی بر حذر داشته اند. تمامی کتال های خبررسانی مانند سیستم پیامک های تلفنی، تلفن های موبایل و ارتباط تلفنی داخل و خارج از کشور را مسدود و یا محدود کرده اند. روی شبکه های تلویزیونی برون مرزی پارازیت می فرستند. خبرنگاران خارجی را از تهیه و انتقال گزارشات حرکت های مردمی منع کرده اند و در پاره ای موارد ویزای خبرنگاری آن ها را تمدید نکرده و خواهان خروج آن ها از کشور شده اند. بسیاری از فعالین احزاب اصلاح طلب و اپوزیسیون درونی رژیم را دستگیر و آن ها را متهم کرده اند که سازمان گران حرکت های مردمی بوده اند. و علاوه بر این اقدامات، نیروهای ضد شورش، اوباش لباس شخصی و بسیجی های مزدور را تا دندان مسلح کرده و به جان مردم انداخته اند و یا به خوابگاه های دانشجویی گسیل داشته اند تا با ضرب و شتم خشن و بیرحمانه مردم در کوچه و بازار و یا در خوابگاه ها، فضای رعب و وحشت ایجاد کرده و مردم را به خانه هایشان بازگردانند. و پا را از این هم فراتر گذاشته و نیروهای بسیجی در یک اقدام جنایت کارانه، در ۲۵ خرداد، در واکنش به تظاهرات چند میلیونی مردم از میدان امام حسین تا میدان آزادی، در حوالی میدان آزادی مردم را به گلوله بستند که باعث شهادت حداقل هشت نفر و زخمی شدن بیش از ۳۰ نفر شد. امری که با واکنش سریع و اعتراض شجاعانه پزشکان، پرستاران و پرسنل بیمارستان ۱۰۰۰ تخت خوابی تهران روبرو شد. آن ها که پیکرهای در خون پییده و تکه تکه شده را دیده بودند، با تظاهرات در جلو بیمارستان، مردم را از ابعاد این جنایت آگاه ساختند. اما همه ی این ها، مردم را نه تنها نترساند، بلکه عزم شان برای ادامه جنبش توده ای و مسالمت آمیز خود را مستحکم تر کرد. آن ها در ۲۶ خرداد، علیرغم آن که میرحسین موسوی از آن ها خواست برای جلوگیری از تکرار این فجایع از ادامه تظاهرات در روز سه شنبه خودداری کنند، به خیابان ها آمدند و با راهپیمایی " فریاد درسکوت" از میدان ونک تا میدان تجریش، صفوف فشرده صدها هزار نفری خود را به نمایش گذاشتند. حضور گسترده ای که حتی صدا و سیمای کودتا را مجبور کرد که هر چند کوتاه، گزارشی از این حرکت عظیم پخش کند. اگر مردم در روزها به تظاهرات می پردازند، در شبانهنگام به پشت بام های می روند و فریاد " مرگ بر دیکتاتور" و "الله و اکبر" سر می دهند.

فشار جنبش گسترده و مسالمت آمیز توده ای آن چنان هست که تمامی رهبران دینی و یا دولتی را، به واکنش واداشته است. آیت الله منتظری کشتار مردم را محکوم کرده و روزهای سه شنبه، چهارشنبه و پنج شنبه را روزهای عزای ملی اعلام کرده است. میرحسین موسوی از مردم خواسته است در روز پنج شنبه ۲۸ خرداد به هر صورت که صلاح می دانند، چه در مساجد، حسینیه ها، تکایا و چه با تظاهرات در خیابان های شهرهای مختلف به عزاداری بپردازند. خامنه ای نمایندگان کاندیداهای چهارگانه را فرخوانده تا از آن ها بخواهد مردم را به آرامش دعوت کنند. شورای نگهبان قول داده است شکایت های کاندیداها را به وقت مورد بررسی قرار دهد. نمایندگان موسوی و کروبی برای صیانت آراء پیشنهاد تشکیل کمیته حقیقت یاب را داده اند تا راهی برای خروج از بحران کنونی یافته شود. رئیس مجلس شورای اسلامی، وزیر کشور را مسنول حملات لباس شخصی های به کوی دانشگاه و خوابگاه های دانشجویی کرده و کمیته ای برای بررسی این

آرزوی یک شاخه زیتون!

لاله حسین پور

آتش ها را می بینم و بوی دود به مشام می رسد. استخوان پایم شکسته است، پشت جمجمه ام از درد باتوم تیر می کشد، اشک چشم هایم از تیزی گاز اشک آور روان است. می دوم، فرار می کنم، شعار می دهم. خانه ای، خانه ام مرا پناه می دهد. درب خانه را می شکنند، آیفون را خراب می کنند. مادری، مادرم مرا تیمار می کند. رأی ام را می خواهم، رأی ام را پس می گیرم. من که رأی نداده ام، اما احساس خیانت را می فهمم. من که اعتمادی نداشتم، اما احساس امید را خوب درک می کنم.

"شعر"ی را که ۳۳ سال پیش سرودم، می خوانم. گویا این شعر را برای امروز گفته ام.

آیا اگر درختان امید دوباره زنده شدن نداشتند، بدین سان محکم و استوار در جای شان می ایستادند؟ در این فصل زمستان؟

گلدان آرزوی گل را در سر می پروراند.

آیا او هیچ گاه به معنی اسمش اندیشیده؟

آیا او نمی داند که داشتن گل حق اوست؟ آیا نمی داند؟

او تمامی عمرش را به گل های زیبای گل خانه ی همسایه نگریسته.

آیا به فرق میان امید و آرزو اندیشیده اید؟

درخت به امید زنده شدن استوار است

و گلدان آرزوی گل در سر می پروراند.

من در این شب ظلمتی به امید تابش خورشید زنده ام

لیک می دالم که در آرزوی دیدن جان می سپارم.

آیا نمی دالم که دیدن طلوع خورشید حق من است؟ آیا نمی دالم؟

پنجشنبه ۷.۱۱.۱۳۵۵

امیدی که پیش از انتخابات در دل پیر و جوان، در دل همگان جوانه زده بود، آرزویی بود کم و بیش دست نیافتنی. آرزویی نه بزرگ و نه محال، آرزوی یک شاخه زیتون! اما این آرزو در کشور عزیز ما، برای مردم مهربان ما در زیر آوار مهیب دیکتاتوری قابل تحقق نیست.

مردم زحمت کش ما، مردم رنج دیده ما، مردم متین و صبورما تنها به آن روزنه باریک و محو در میان انبوه آوار امید بسته بودند و آماده بودند که از آن نور منعکس شده از روزنه، هر چند خفیف، هر چند ضعیف و هر چند نزار، فانوسی بسازند و آن را بر بالای درب خانه های شان آویزان کنند. می خواستند شب های طغیان فرسای شان را قابل تحمل تر کنند و باز به انتظار بنشینند. غافل از این که منادیان ظلمت و تاریکی، خشم و خشونت و شکنجه و اعدام قدرت را در اختیار خود گرفته اند و سمیت سنگی بر هر روزنه ای می کشند و هر امیدی را سیاه می کنند و هر آرزویی را در نقطه به دار می آویزند. تنها راهی که باقی می ماند، قدرت مند شدن است. دیکتاتورها همواره اقلیت ناچیزی هستند که به توپ و اسلحه تکیه زده اند. قدرت اصلی اما، در دست اکثریت متشکل است. اکثریتی که هرچند هنوز متشکل و هم آهنگ نیست، اما می رود که در هر برهه و در هر مقطع با گام هایی پرش گونه و به سرعت، قدرت مدنی را در چنگ های خود بگیرد. قدرتی که هنوز به آن باور ندارد و هنوز آن را خوب نمی شناسد. اما آن را آرزو می کند و به امید آن زنده است!

اخبار کوتاه از ایران

جمع آوری پارابل ها در ایران و مفقود شدن مجروحین در بیمارستان سپاه

* بنابه اطلاعاتی که به ایران امروز رسیده است. برای ایجاد وحشت در مردم حامی اصلاحات و تغییر، از طرف شرکت مخابرات ایران بطور اتوماتیک با تلفن های شخصی تماس برقرار می شود و ضمن تهدید آنها اعلام می کنند که عکس آنها را در تظاهرات دارند و بموقع با آنها برخورد خواهند کرد.

هشدار: با تلفن منازل مردم تماس می گیرند و یک نوار ضبط شده می گوید که شما امروز در راهپیمایی بودید اگر تکرار شود برخورد می کنیم. در خیر شفاهی دیگری آمده است که:

* توصیه می شود که مجروحان را با اتومبیل های شخصی به بیمارستان برسانند زیرا به آمبولانس های اعتمادی نیست و مجروحان مفقود می شوند.

* اگر در خیابان نزدیک محلهای شورش هستید حتما موبایل خود را خاموش کنید. به راحتی می توانند از طریق آنتن های بی تی اس شماره موبایل های موجود در آن منطقه را شناسایی کنند و شماره ها را برای استفاده امنیتی بردارند مسئله جدیست راحتترین و مطمئن ترین راه شناسایی افراد موبایل آنهاست! فراموش نکنید که به دوستان هم ارسال کنی.

* دیدگاه *

سخنرانی اوبا و حقه بازی لیبرمان فر خاور میانه

ای رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا

ویچسلاو تیتوکین (Vichslav Tetyokin)

ترجمه: ا. م. شیرازی



در طول این هفته شاهد دو رویداد مهم بودیم که، نشاندهنده تصمیم بازیگران اصلی در امور خاورمیانه بود. یکی؛ سفر پاراک اوباما، رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا به عربستان سعودی و مصر، دیگری؛ دیدار آویگنور لیبرمان، وزیر امور خارجه اسرائیل از مسکو می باشد. البته که، این دو سفر دارای اهمیت یکسان نمی باشند. ولی، مقایسه آن دو، سمت تمایل مهره های اصلی بازی را نشان می دهد.

ابتدا، به مهره نسبتاً کوچکتر - لیبرمان، می پردازیم. می دانیم که، تعیین این مولدای اصل به مقام وزیر امور خارجه اسرائیل، بخودی خود، با اعتراض همراه بود. جناب لیبرمان، نه تنها در جهان عرب، حتی در همه جهان با نظرات افراطی خود مشهور است. مثلاً؛ وی زمانی بر بمباران سد اسوان مصر اصرار می کرد. لازم به توجه است که، در صورت بمباران آن، آب رها شده از این سد، می توانست اکثریت ۶۰ میلیون جمعیت مصر را که در سواحل باریک رود نیل ساکن هستند، به هلاکت برساند. تصور اینگونه بیانات شدیداً ضد انسانی بسیار مشکل است.

در عین حال، جناب لیبرمان توجه خاصی به مسکو دارد. سرنگی لاوروف، وزیر امور خارجه و جناب پریخادکو، معاون امور بین الملل رئیس جمهور روسیه، پرزیدنت مدوداوف و حتی نخست وزیر روسیه نیز با وی دیدار کردند. ضمن اینکه، دیدار وی با پوتین، بجای ۱۵-۲۰ دقیقه پیش بینی شده، یک ساعت و نیم بطول انجامید. این در حالیست که، مدیریت سیاست خارجی اصلا بر عهده رئیس جمهور و نخست وزیر نیست.

یک موضوع هشدار دهنده دیگری هم شایسته توجه، این است که، جناب لیبرمان، که این همه مورد احترام مسکو می باشد، در خود اسرائیل یک جنایتکار محسوب می شود و در فاصله سفرهای خارجی، بمدت ۵-۶ ساعت مورد بازجویی پلیس قرار می گیرد. احتمال اینکه، جناب لیبرمان از دست بازپرسان پلیس بدست قاضی دادگاه سپرده شود، بسیار زیاد است. بلی، چنین شخصیت برجسته ای همصحبت مقامات عالیرتبه دولت روسیه بود. رهبر سیاست خارجی اسرائیل تأکید داشت که، هدف سفر او به مسکو، قبل از هر چیز، مذاکره پیرامون روابط اقتصادی روسیه و اسرائیل بود. بدین ترتیب، وی رنگین کمان روابط اسرائیل و روسیه را در انتظار عمومی نمایان ساخت. مثلاً؛ در جواب سؤالی در جریان کنفرانس مطبوعاتی در پایان دیدار خود، جناب لیبرمان اظهار داشت: «بهتر این نمی تواند باشد».

در عین حال، در مورد سیاست های پشت درهای بسته، حرف و سخنها بسیار متناقضی زده می شود. از جمله، روسیه بر خلاف خواست تل- اویو، حاضر به قطع روابط خود با جنبش فلسطینی حماس و جنبش حزب الله لبنان نیست.

البته، در مورد برنامه هسته ای ایران نیز، که اسرائیل هر از چند گاهی پیرامون آن هیستری راه می اندازد، مذاکراتی انجام گرفته است. واقعا هم لیبرمان در مسکو اعلام کرد که، اسرائیل قصد بمباران ایران را ندارد. اما، همین روزها وزیر دفاع دولت یهود اعلام کرد که، مسئله وارد آوردن ضربه به ایران منتهی نشده است. هم اکنون آموزش دفاع غیر نظامی بی سابقه ای (پنج روز) در

اسرائیل در جریان است. آنها نه تنها مردم اسرائیل را برای جمع شدن دوستانه در پناهگاهها آموزش می دهند، حتی، زمینه جنگ گریز نپذیر با ایران را نیز آماده می سازند. بدین ترتیب، چگونه می توان به صلحدوستی جناب لیبرمان باور کرد!

حال، به بازیگر اصلی میدان خاورمیانه- رئیس جمهور آمریکا می پردازیم. دیدار اوایما از عربستان سعودی و مصر (مرکز اقتصادی و سیاسی دنیای عرب) و سخنرانی وی، به عقیده کارشناسان بدین معنی است که، اوایما دست دوستی به سوی مسلمانان دراز می کند. این در تاریخ آمریکا بی سابقه است که رئیس جمهور بعد از انتخاب برای اولین بار قبل از اروپا، به خاور میانه سفر می کند. ضمن اینکه اسرائیل را هم دور زد. بنظر می رسد که، اوایما بزودی به تل- آویو سفر خواهد کرد. به یقین که، این اقدام اوایما فقط یک ژست دیپلماتیک در ارتباط با دنیای اسلام می توانست باشد.

سخن بر سر بازیگری بنیادی سیاست خاورمیانه ای آمریکاست. جرج بوش هشت سال بر شیپور خطر «افراط گرایی اسلامی» برعلیه «دنیای آزاد» دمید، اما، هسته اصلی سخنرانی اوایما در قاره را انتقاد از اسرائیل تشکیل می داد. رئیس جمهور آمریکا ضمن مخالفت با ساخت شهرکهای یهودی نشین جدید در اراضی اشغال شده اعراب،

طرفداری خود از تشکیل دولت مستقل فلسطین را اعلام کرد (کاری که مقامات تل- آویو بشدت با آن مخالفت می کنند).

واقعیت این است که، اوایما در سخنرانی خود، مسئله مبارزه با افراط گرایی را نیز مورد تأکید قرار داد. اما، نه به شکل سنتی آن که؛ «اسلام- دشمن آمریکا». رئیس جمهور آمریکا با لحن دیگر- از ضرورت «فائق آمدن بر نگاه قالبی» آمریکا نسبت به دنیای عرب، سخن بمیان آورد و با حرارت حق ایران مبنی بر استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای را مورد تأیید قرار داد. در صورتیکه بوش و تیم او، این حق ایران را بطور کلی انکار می کردند.

لازم به تأکید است که، حتی محل سخنرانی نیز بسیار حساب شده انتخاب شده بود. زیرا، دانشگاه الازهر قاهره یکی از مراکز اصلی دینی همه دنیای اسلام است. خود این، تأثیرگذار است. در خیابانهای قاهره جوانان با پیراهنی که روی آن نوشته شده بود: «اوایما- توتان خامون قرن بیست و یکم» ظاهر شدند. یعنی اوایما را با یکی از مشهورترین رهبران مصر باستان مقایسه می کردند.

تصور نمی شود هیچگونه چرخشی «به سود عرب» در سیاست اوایما روی دهد. بر خلاف جوانان، اساسا سیاستمداران و روزنامه نگاران مجرب اعراب چنین اظهار نظر می کنند: «زندگی نشان خواهد داد». سخنان یغایت «عرب دوستانه» رهبران ایالات آمریکا، همیشه باد هوا بوده است. رئیس جمهور آمریکا در میان اطرافیان عمدتا «ننو محافظه کار» خود- شامل طرفداران سلطه گری آمریکا بر جهان که، اسرائیل بعنوان متحد اصلی وحشیگری ایالات متحده آمریکا در آسیا محسوب می شود، از اختیارات محدودی برخوردار است.

آخرین رئیس جمهور آمریکا که خود را مجاز به انتقاد از اسرائیل می دانست، جرج بوش(پدر) بود. رسانه های اسرائیلی یادآوری می کنند که، به همین جهت هم جرج بوش نتوانست برای دوره دوم ریاست جمهوری انتخاب شود. اوایما باید عمیقا بیاندیشد. اگر اوایما پای خود را بیشتر از حد مجاز دراز کند، نه با اسرائیل، که با رسانه های آمریکائی تحت کنترل دوستان اسرائیل طرف خواهد شد. البته، سرمایه مالی آمریکا، تحت مدیریت همان دوستان، جلو هر گونه چرخش «ضد اسرائیلی» را خواهد گرفت.

تلاش برای راندن اسرائیل به داخل جمع شرکای استراتژیک روسیه، همان کاری که جناب لیبرمان با تمام توان بدنبال آن بود، موضوع دیگری است که اوایما را به اندیشیدن وادار می کند. اما، تصور این موضوع بیش از حد ساده انگارانه است. زیرا، اسرائیل بسیار بیشتر از آن حدی که دیده می شود، وابسته به آمریکاست.

اما، آنچه که به روسیه مربوط می شود، این است که، ما دارای منافع دیرینه و از اعتبار خوبی در خاورمیانه بر خوردار هستیم. رهبران زبده سیاست خارجی تزار، باتکاء هوش و نکاویت خود پایه های محکم تأثیرگذاری روسیه در سوریه، لبنان و فلسطین را بنیان نهاده اند و اتحاد شوروی نیز با حمایت قاطع از مبارزه آزادیبخش مردم فلسطین و دیگر خلقهای عرب، این سیاست را ادامه داد.

پس از سال ۱۹۹۱، «نخبگان» جدید روسیه، به پهلوی دیگر در غلطیدند. به سوی دوستی با اسرائیل و روگردانی از اعراب روی

آوردند. هر چند در سالهای اخیر علامت بیداری مشاهده می شود ولی، دوستان اسرائیل در میان هرم قدرت روسیه، کمافی السابق برتری خود را حفظ می کنند. این مدعا را از ایده برگزاری کنفرانس مربوط به خاورمیانه در مسکو نیز می توان ترک کرد. در واقعیت امر، چیز دیگری در زرادخانه ما وجود ندارد. روسیه کنونی از هیچگونه امکانی برای اعطای وامها و یا سلاحهای جدید(بر خلاف آمریکا و اتحاد شوروی) به دنیای عرب برخوردار نیست. علاوه بر آن، اختلال در مجتمع صنایع نظامی روسیه به آن حدی رسیده است که، ما مجبور شده ایم از اسرائیل هواپیماهای بدون سرنشین بخریم. یعنی، به آخر خط می رسیم...

این است آنچه که در ورای اظهارات پر هیاهو و کاملا مه گرفته پنهان می شود. سیاست خارجی روسیه با ایرادات جدی همراه است. مسکو، بطور مرتب بین ضرورت دوستی با کشورهای ثروتمند و دارای منابع سرشار نفت و گاز دنیای اسلام و روابط کرنش گرانه با اسرائیل که، به اهرمهای قوی تأثیرگذاری از طریق دوستان زیاد(همچنین مردم) اسرائیل در مراکز اقتصادی و حاکمیت سیاسی روسیه متکی می باشند، تردد می کند. نشستن در روی دو صندلی هیچگاه راحت نبوده و همیشه مضحک بوده است.

در مسکو هیچ کنفرانس بین المللی دایر بر امور خاورمیانه برگزار نخواهد شد، زیرا، فرمان تل- آویو در دست افراط گرایانی است که حتی، به خواست جامعه جهانی در مورد تشکیل دولت مستقل فلسطینی واقعی نمی گذارند. بدین ترتیب، مقایسه سیاست خارجی روسیه و آمریکا، بویژه، پس از دیدار خاورمیانه ای اوایما، اصلا به نفع ما نیست. آیا وقت آن نرسیده است که، سیاست خاورمیانه ای ما تغییر داده شود؟ باید از تعویض تنظیم کنندگان آن آغاز کرد... «سوتسکایا راسیا»، شماره (۱۳۲۷۵) ۵۸، ۶ ژوئن ۲۰۰۹



بیانیه کانون نویسندگان ایران

درباره‌ی رویدادهای خونین اخیر

سرانجام، انتخابات نمایشی و غیردموکراتیک خردامه‌ها به خون مردم رنگین شد. فرجام این سناریوی ضددموکراتیک چیزی جز این نمی‌توانست باشد.

روزنه‌ی کوچکی مانند این انتخابات، که حاکمیت ناگزیر از گشودن آن بود، کافی بود تا خواسته‌های سرکوب‌شده و انباشته‌ی مردم از آن فوران کند و به موجی گسترده بدل شود که در روزهای گذشته شاهد آن بوده‌ایم. ما بدون توجه به بازی قدرتی که میان نامزدها و جناح‌های مختلف ساختار قدرت در جریان است، و جدا از سودهایی که گردانندگان نمایش انتخابات در سر دارند، سرکوب مردم و به خاک و خون کشیدن جوانان آزادی‌خواه این سرزمین را محکوم می‌کنیم و بر این باوریم که تا آزادی بی‌قید و شرط احزاب، سندیکاها، اتحادیه‌ها و انجمن‌های آزاد و مستقل تأمین نشود، تا آزادی اندیشه و بیان بی هیچ حصر و استثنا محقق نشود، تا بساط سرکوب به طور جدی و کامل برچیده نشود، مشکل مرحله‌ی کنونی تاریخ جامعه‌ی ما حل نخواهد شد.

به سرکوب و کشتار مردم پایان دهید! به اراده‌ی مردم گردن نهید!

کانون نویسندگان ایران

۲۶ خرداد ۱۳۸۸

اخبار از ایران!



سمت خود کنارگیری کرد. وی از سال ۸۱ رئیس دانشکده برق بوده است. دانشجویان خواهان استعفای فرهاد رهبر رئیس انتصابی دانشگاه تهران هستند و بی کفایتی او را در دفاع از کیان دانشگاه و جان دانشجویان محکوم می کنند .

این در حالی است که ۱۱۹ تن دیگر از اساتید دانشگاه تهران نیز در پی حوادث شب گذشته که به هتک حرمت دانشگاه منجر شد، از سمت استادی خود کناره‌گیری کردند .

اسامی کشته‌شدگان شب گذشته حملات انصار حزب‌الله به کوی دانشگاه به شرح زیر است :خانم‌ها مبینا احترامی و فاطمه براتی و آقایان کسری شرفی، کامییز شعاعی و محسن ایمانی. گفته می شود یکی از کشته شدگان رتبه ۲۰ کنکور کارشناسی ارشد سال ۸۸ در رشته برق بوده است.

حمله انصار و بسیج به دانشجویان شیراز و مشهد.

رئیس دانشگاه شیراز استعفا داد.

خبرنامه امیرکبیر: در پی تجمعات دانشجویان دانشگاه شیراز که در اعتراض به شیوه برگزاری انتخابات ۲۲ خرداد در روز های شنبه و یکشنبه ، ۲۳ و ۲۴ خرداد برگزار شد، نیروهای امنیتی و سازمان یافته با یورش به داخل دانشگاه، دانشجویان را به شدت مورد ضرب و شتم قرار دادند.

وضعیت چند تن از این دانشجویان وخیم گزارش شده است .

همچنین ظهر امروز چند ون نیروی انتظامی ضمن محاصره کتابخانه خوارزمی دانشگاه شیراز و پرتاب گاز اشک آور، به سمت دانشجویان هجوم آوردند و ضمن ضرب و شتم دانشجویان در حدود ۱۰۰ تن از آنان را بازداشت کردند. در حین این اقدام مسئولین کتابخانه خوارزمی از جمله دکتر خیاطیان که قصد داشتند مانع از ورود نیروهای انتظامی به دانشگاه شوند نیز مورد ضرب و شتم قرار گرفتند.

در پی این اقدام محمد هادی صادقی رئیس دانشگاه شیراز از سمت خود استعفا داد و صبح فردا، ساعت ۱۰ صبح اساتید و مسئولین دانشگاه شیراز در محل مدیریت دانشگاه در اعتراض به این یورش تجمع برگزار خواهند کرد. شنیده ها حاکی از آن است که دانشجویان نیز به این جمع خواهند پیوست.

فضای شهر شیراز نیز به شدت ملتهب است. شب گذشته در خیابان ملاصدرا شیراز تجمعی برگزار شد که با هجوم نیروهای امنیتی به خشونت کشیده شد. عصر امروز نیز در خیابان ملاصدرا تا دانشگاه شیراز نیروهای امنیتی به فاصله یک متر قرار داشتند و با هجوم به دانشگاه، مردم و دانشجویان را مورد ضرب و شتم قرار دادند بنا بر آخرین اخبار دانشجویان و اساتید دانشگاه شیراز در صحن دانشگاه تحصن کرده اند.

همچنین از ساعاتی پیش نیروهای انصار و بسیج به دانشجویان متحصن در دانشگاه فردوسی مشهد حمله کرده اند.

گزارش ها حاکیست که این درگیری اطراف در شمالی دانشگاه فردوسی مشهد رخ داده است. خیابان های باهنر، وکیل آباد و دیگر خیابان های منتهی به دانشگاه فردوسی مشهد هم اکنون محاصره شده اند و امکان عبور و مرور مردم وجود ندارد.

هر لحظه احتمال حمله نیروهای گارد ویژه و انتظامی به داخل دانشگاه می باشد. دانشجویان در محاصره هستند و در های دانشگاه بسته شده است و امکان خروج دانشجویان از دانشگاه وجود ندارد. تعداد نامعلومی از دانشجویان نیز بازداشت شده اند.

گفتنی است در اعتراضات روز گذشته شهر مشهد مهدی عیابی رئیس جبهه مشارکت منطقه خراسان و امیر افتخاری رئیس ادوار تحکیم وحدت منطقه خراسان در حالی که برای گفتگو در بیت ایت الله شیرازی حاضر شده بودند، بازداشت شده اند.

* - مجروحانی که در حادثه کوی دانشگاه وضعیت بدی داشتند از ناحیه سینه مورد اصابت چاقو قرار گرفته بودند.

* - تقریباً تمامی کشته شدگان حوادث اخیر از ناحیه سر و بالاتنه مورد اصابت گلوله قرار گرفته اند. این امر حاکی از آن است که شلیک کنندگان به سوی دانشجویان و مردم یا لباس شخصی های مسلح بوده اند زیرا نیروی انتظامی آموزش دیده در برخورد با تظاهرات دستور به شلیک تیر هوایی یا در شرایط حاد دستور به هدف گرفتن پایین تنه تظاهر کنندگان را دارد و یا اگر نیروی انتظامی بوده اند دستور کشتار تظاهر کنندگان را داشته اند.

* - پزشکان بیمارستان رسول اکرم با مشاهده مقتولین به اعتراض دست از کار کشیده و با صدور بیانیه ای افشا کرده اند که مقتولین حوادث اخیر که همگی از ناحیه سر و بالاتنه مورد اصابت گلوله قرار گرفته اند.

* - به پزشکان بیمارستان رسول اکرم دستور داده شده است که علت مرگ مقتولین حوادث اخیر را مرگ بیمار در زیر عمل جراحی بنویسند.

* - دکتر ولایتی کلیه رؤسای دانشگاه های پزشکی را در جلسه ای دعوت کرده و طی تحلیلی به ایشان گفته است. نظام از آغاز تا کنون مراحل حساسی را با موفقیت پشت سر گذاشته است. مرحله حذف شریعتمداری، ما جرای بنی صدر، ماجرای آیت الله منتظری، ۱۸ تیر و اکنون تصمیم دارد که این مرحله را با قاطعیت پشت سر بگذارد. وی سپس رؤسای دانشگاه های پزشکی حاضر در جلسه را تهدید کرده است که اگر با تحصن و یا اعتصاب های احتمالی استادان و پزشکان در بیمارستان ها و دانشکده های تحت مدیریت خود قاطعانه عمل نکنند با آنها برخورد خواهد شد



برخی از اخبار رسیده از دانشگاههای ایران!

۱۷ یونی ۲۰۰۹ - ۲۷ خرداد ۲۰۰۹

استعفای دسته جمعی اساتید دانشگاه تهران

در اعتراض به کشتار دانشجویان این دانشگاه.

در پی حملات شب گذشته به کوی دانشگاه تهران و کشته شدن پنج تن از دانشجویان این دانشگاه، دکتر جبه‌دار مارالائی رئیس دانشکده برق و کامپیوتر پردیس دانشکده‌های فنی این دانشگاه از سمت خود استعفا داد.

جبه‌دار مارالائی که چهره ماندگار گرایش الکترونیک دانشکده برق است و پدر مهندسی برق ایران لقب گرفته‌است، عصر امروز از

افزایش تعداد جان باختگان خشونت های اخیر ایران به سی و دو تن!

مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران پس از تحقیقات میدانی علیرغم گزارشات متعدد ارسالی از آمار کشته شدگان خشونت های اخیر در ایران، قادر به تایید مرگ سی و دو شهروند ایرانی مرتبط با وقایع ۲۴ و ۲۵ خردادماه است.

خبرگزاری هرانا: اکثر شهروندان مورد اشاره در پی حوادثی چون حمله به کوی دانشگاه (۲۴ خردادماه) و همینطور تیراندازی مستقیم نیروهای شبه نظامی بسیج به مردم بی دفاع (۲۵ خردادماه) جان خود را از دست داده اند. این خشونت ها پس از اعتراض شهروندان ایرانی به نتایج انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری آغاز شد و با نخالت نیروهای امنیتی و شبه نظامی وابسته به دولت به خشونت گرانید.

روابط عمومی دفتر تحکیم وحدت روز گذشته با صدور بیانیته ای از جان باختن دست کم هفت دانشجو در حوادث حمله به کوی دانشگاه تهران و سایر دانشگاههای کشور خبر داد (سازمان عفو بین الملل این آمار را تا تاریخ ۲۵ خرداد ۵ تن اعلام کرده بود). همچنین بنا بر گزارشات متعدد و موثق، سردخانه بیمارستان رسول اکرم تهران محل نگهداری هشت جانباخته واقعه تیراندازی به سوی مردم بی دفاع در روز دوشنبه است.

در ادامه فعالان حقوق بشر آذربایجانی نیز از کشته شدن دو شهروند ارومیه ای در درگیری روز دوشنبه ۲۵ خردادماه این شهر خبر داده اند. در آخرین مورد منابع پزشکی از بیمارستان فوق تخصصی عرفان (۳۵ درصد این بیمارستان ویژه سی.سی.یو، سی.سی.یو، ان.آی.سیو و ۱۴ اتاق عمل است) واقع در غرب تهران از ۱۵ جانباخته در این بیمارستان که مرتبط با واقعه تیراندازی به سوی مردم در ۲۵ خردادماه است به مجموعه گزارش داده اند.

در مجموع هرچند که آمارهای دریافتی مجموعه در خصوص شهروندان جانباخته در اقصی نقاط کشور بسیار زیاد است اما به لحاظ فقدان امکان دیده بانی صحیح ناشی از فضای به شدت امنیتی و دستگیریهایی گسترده تنها مقدور به تایید این آمار هستیم و تلاش مجموعه برای تکمیل نمودن مستندات و گزارش خود ادامه دارد.

منبع خبر: مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران ۲۸ خرداد ۱۳۸۸

ترفند ایجاد رعب و وحشت از سوی ماموران نقاب دار رژیم برای جلوگیری از اعتراضات مردم

*پس از ضرب و شتم فراوان و واردکردن وحشیانه ضربات مشت و لگد بر پیکر او وی را به حیاط برده و بدنش را با آب خیس می کنند. بعد از خیس کردن بدنش او را به اتاق دیگری برده و قیاتی آویزان می کنند، سپس با سیخ های مذابی که در تنور آماده داشتند تمام بدنش را می سوزانند. ۹۰ نقطه از بدنش بطور عمیق توسط سیخ های داغ سوزانده شده است.....

روشنگری: همچنان که در بخش خبر در روشنگری تاکید شد، ماموران رژیم در شهرهای کوچک که اهالی آن اغلب همدیگر را می شناسند و از فعالیتهای اجتماعی سیاسی و بینش و مواضع سیاسی همدیگر مطلعند به ترفند کثیف ایجاد رعب و وحشت برای جلوگیری از گسترش اعتراضات مردمی متوسل شده اند. باید دانست که خبر زیر مورد منحصربه فرد نیست و گزارشتی نیز در همین رابطه از سوی منابع دیگر در باره روش های جدید ارعاب انتشار یافته است. از جمله تهدید تلفنی مردم از طریق پیام های خودکار در شهرهای بزرگ و یا حمله شبانه به مجتمع های مسکونی مردم برای جلوگیری از سر دادن شعارهای اعتراضی شبانه در پشت بام ها.

گزارش زیر در همین رابطه توسط منبعی موثق لحظاتی پیش بدستمان رسیده است:

مجید شعبانی از اهالی سادات محله رامسر (سادات شهر) با اتومبیلش از کتالم عازم منزلش بود که بین راه ماشینش توسط عده ای نقابدار متوقف می شود. بزور چشم بند بر چشمانش زده و با ماشین خودش او را به خانه ای بین رامسر و تنکابن (شهبسوار) می برند. لباسهایش را کاملا در آورده و دستهایش را می بندند. پس از ضرب و شتم فراوان و واردکردن وحشیانه ضربات مشت و لگد بر پیکر او وی را به حیاط برده و بدنش را با آب خیس می کنند. بعد از خیس کردن بدنش او را به اتاق دیگری برده و قیاتی آویزان می کنند، سپس با سیخ های مذابی که در تنور آماده

داشتند تمام بدنش را می سوزانند. ۹۰ نقطه از بدنش بطور عمیق توسط سیخ های داغ سوزانده شده است.

جانیکتاران پس از اعمال شکنجه های وحشیانه به زور قرصی را در دهانش می گذارند و می گویند ما مجریان اراده امام زمان هستیم که آقای احمدی نژاد از نمایندگانش می باشد. نزدیک صبح او را با چشمان و دستهای بسته، عریان و نیمه جان نزدیک خانه اش در داخل ماشین رها کردند. مجید شعبانی هم اکنون در بیمارستان رامسر تحت مداوای پزشکی می باشد. ۲۸ خرداد ۱۳۸۸

فریادهای شبانه "مرگ بر دیکتاتور" بر پشت بام ها!

روشنگری: بر اساس گزارش منابع خبری شب گذشته نیز مانند چهار شب اخیر مردم در ادامه حرکت گسترده اعتراضی خود ساعت ۱۰ شب بر پشت بام ها شعار "الله اکبر" و "مرگ بر دیکتاتور" سر دادند.

باند کودتاچی برای جلوگیری از ایجاد ارتباط بین مردم و انسداد مجاری اطلاع رسانی اکنون جلوی ارسال ایمیل را هم گرفته است و اکنون شش روز است که امکان ارسال پیامک هم که وسیله موثر اطلاع رسانی در باره اجتماعات اعتراضی مردم است کاملا قطع شده است. مردم به صورت ابتکاری و برای این که ارتباط آنها با هم قطع نشود در هر تجمع از طریق پلاکاردهایی که در دست می گیرند، زمان و مکان تجمع و اعتراض بعدی را به هم خبر می دهند و خبرها به صورت نفر به نفر پخش می شود.

خواست محوری مردم همچنان ابطال انتخابات و بازپس گیری آرای مصادره شده از سوی کودتاچیان است.

امروز قرار است در سراسر کشور در اعتراض به کشتارهای وحشیانه نیروی انتظامی، لباس شخصی ها، انصار حزب الله و بسیج و در گرامیداشت یاد و خاطره قربانیان تجمعات سوگواری در سراسر کشور برگزار شود.

فردا، جمعه نیز که قرار است نماز جمعه از سوی خامنه ای برگزار شود فراخوان برای راهپیمایی از میدان هفت تیر تا محل نماز جمعه داده شده است و مجمع روحانیون مبارز نیز از وزارت کشور درخواست مجوز راهپیمایی از میدان آزادی تا انقلاب کرده است. ۲۸ خرداد ۱۳۸۸

گزارش یک پزشک!

پس از تیراندازی مزدوران رژیم به مردم معترض در تظاهرات میلیونی تهران!

من پزشک هستم و در بیمارستان رسول اکرم در خیابان ستارخان مشغول به کارم. دیروز تعداد ۳۸ نفر به دلیل اصابت گلوله در اورژانس بیمارستان ما پذیرفته شدند که ۱۰ نفر آنها کشته و بقیه زخمی بودند. الگوی زخمها حاکی از این بود که مردم به رگبار بسته شده اند زیرا بسیاری از مجروحین دو یا چند گلوله خورده بودند و محل اصابت گلوله ها نیز بسیار نزدیک به هم بود، به عنوان مثال پیر مردی ۶۸ ساله در دو ناحیه کتف چپ و سمت چپ شکم مورد اصابت قرار گرفته بود و یا پسری ۱۸ ساله از ناحیه کف و مچ دست هدف قرار گرفته بود. شرح حال اخذ شده از مجروحین و نیز الگوی زخمها نشان می داد که تیر اندازی از پشت بام انجام شده است، مثلا جوانی ۳۲ ساله از کمر مورد اصابت قرار گرفته بود ولی گلوله از جلو و از قسمت ران خارج شده بود.

بنا به گفته مجروحین تیر اندازی به طور ناگهانی و زمانی آغاز شد که سیل جمعیت در حال عبور از کنار یک پایگاه بسیج در شمال میدان آزادی (اول بزرگراه محمد علی جناح) بود. به گفته مجروحان یک اتومبیل در مقابل درب آن پایگاه به شکلی پارک شده بود که کسی نتواند با شکستن در وارد آن شود و این امر نشانه برنامه ریزی قبلی برای تیر اندازی می باشد. به گفته شاهدان حدود ۴ نفر بسیجی از پشت بام این مرکز به طور ناگهانی اقدام به تیراندازی نمودند به نحوی که حتی کسانی که قصد نجات زخمی ها را داشتند خود نیز مورد اصابت قرار می گرفتند. یکی از مجروحین می گوید در حالی که پشت یک اتومبیل پناه گرفته بودم زخمی شدم.

در این مرحله مردم خشمگین به اتومبیل پارک شده در مقابل این پایگاه حمله کرده و آنرا به آتش می کشند ولی نمی توانند وارد پایگاه شوند. در ادامه پلیس ضد شورش به همراه گروه های دیگری از بسیجیان برای پراکنده کردن مردم خشمگین از راه می رسند که در این مرحله نیز در

قسمت‌هایی از طول خیابان جناح (به عنوان مثال در نزدیکی مترو) عده دیگری نیز کشته و زخمی می‌شوند.

طبق اطلاعاتی که امروز صبح از پزشکان بیمارستان امام خمینی کسب شد، به این بیمارستان نیز در طی دیشب ۳۸ کشته که با گلوله مستقیم کشته شده بودند منتقل شده است.

لازم به ذکر است که در بامداد امروز پلیس امنیتی تمامی چناره‌ها را به زور از بیمارستان تحویل گرفته و آنها را با وانت به محل نا معلومی منتقل کرده است و خانواده بسیاری از آنان حتی از کشته شدن فرزند خود نیز بی‌خبرند. در بین کشته‌ها و مجروحین تعدادی کودک ۱۵ و ۱۶ ساله نیز دیده می‌شوند.

امروز ساعت ۹ تا ۱۱ صبح دانشجویان و پزشکان بیمارستان رسول اکرم در خیابان مجاور این بیمارستان تجمع کرده و به توزیع برگه‌های حاوی اطلاعاتی پیرامون تعداد کشته‌ها و زخمی‌ها اقدام نمودند. این تجمع در نهایت با حضور پلیس ضد شورش به پایان رسید.

تجمع همزمان معترضان

به نتیجه انتخابات و "حزب الله" در تهران!

" آنچه نتایج انتخابات باعث فوران آن شده، یک حس شدید سرخوردگی است، خشمی که طی دو سال زندگی در اینجا حس کرده‌ام. مردم خیلی از دست سیستم عصبانی و سرخورده هستند، سیستمی که به نظر می‌رسد با آنها برخورد می‌کند."

به نقل از بی‌بی‌سی؛ منابع خبری نزدیک به میرحسین موسوی نوشته‌اند که ممکن است او عصر روز پنجشنبه در جمع هوادارانش در میدان امام خمینی تهران حاضر شود. خبر برگزاری این تجمع، در تظاهرات روز چهارشنبه ۲۷ خرداد (۱۷ ژوئن) از طریق پلاکاردها به اطلاع هواداران میرحسین موسوی رسید.

به گزارش سایت کلمه، "احتمالاً میرحسین موسوی" در این "تجمع آرام" شرکت خواهد کرد.

میرحسین موسوی همچنین از هوادارانش خواسته بود که به یاد کشته‌شدگان حوادث اخیر با نشانه‌های سوگواری در مساجد و تکیه‌ها تجمع کنند.

در همین حال خبرگزاری فارس از برگزاری تجمع "دانشجویان و اقشار مردم" در مقابل دادستانی تهران در میدان ۱۵ خرداد این شهر خبر داده است که در نزدیکی میدان امام خمینی قرار دارد.

به گزارش این خبرگزاری، تجمع کنندگان در میدان ۱۵ خرداد "خواستار برخورد قاطع، جدی و انقلابی با عوامل آشوب‌های اخیر تهران و صدور حکم دستگیری و محاکمه علنی فائزه و مهدی هاشمی (فرزندان اکبر هاشمی رفسنجانی)" شده‌اند.

بخش‌هایی از سخنان دبیرکل "اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان"، دبیر "شورای تبیین مواضع بسیج دانشجویی دانشگاه‌های تهران"، دبیر تشکیلات "اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل" و دبیر "جنبش عدالتخواه دانشجویی" در خبرگزاری فارس منتشر شده که عموماً حاوی حملات تند علیه اکبر هاشمی رفسنجانی است.

خبرگزاری فارس همچنین از برنامه گروهی از "موتورسواران حزب الله" برای حرکت در سطح شهر تهران خبر داده است که قرار بود ساعت ۱۶ روز پنج‌شنبه از میدان ولی عصر تهران آغاز شود.

تجمع در برابر دادستانی تهران

این خبرگزاری همچنین از تشییع چناره یک بسیجی در شهر ری خبر داد که به نوشته این خبرگزاری "بامداد ۲۵ خرداد توسط اراذل و اوباش مجروح شده و ساعت ۱۵ روز ۱۶ خرداد به شهادت رسید."

جان لاین خبرنگار بی‌بی‌سی در تهران می‌گوید که دولت تاکنون واکنش روشنی به تظاهرات و اعتراضات روزانه نشان نداده است. محمود احمدی‌نژاد، رئیس جمهوری ایران که برنده انتخابات جمعه اعلام شد، روز چهارشنبه بار دیگر از نتایج رای گیری دفاع کرد و آن را مهر تاییدی برای عملکرد چهار سال ریاست جمهوری خود دانست.

به گزارش خبرگزاری دانشجویان، ایسنا، وی در جلسه هیات دولت، انتخابات را یک رفتارندوم توصیف کرد و با اشاره به آرای که

وزارت کشور اعلام کرده است گفت: "۲۵ میلیون نفر این روش مدیریت را در کشور تایید و در انقلاب تثبیت کردند."

احمدی نژاد هیچ اشاره‌ای به اعتراضات گسترده مخالفان که معتقدند در انتخابات تقلب شده است نکرد. مخالفان خواستار تشکیل یک کمیته حقیقت‌یاب یا ابطال آرا و برگزاری مجدد انتخابات هستند اما دولت تاکنون در برابر این تقاضا ایستادگی کرده است.

شورای نگهبان می‌گوید حداکثر ممکن است اجازه بازشماری آرای برخی از صندوق‌ها را بدهد.

علی خامنه‌ای نیز با حمایت از این موضع گیری خواستار رفع نگرانی‌ها در مورد انتخابات شده است.

وزارت کشور چهارشنبه شب در تازه‌ترین موضع گیری درباره اعتراض‌ها، اعلام کرد که نامزدها حق دسترسی به جزئیات صندوق‌های رای را ندارند.

اعتراض‌ها از زمان اعلام پیروزی احمدی نژاد رو به افزایش بوده است و تهران در سه روز گذشته شاهد اجتماعات بزرگ مخالفان بود.

در سایر شهرها نیز از اعتراضات عمومی خبر می‌رسد اما به علت محدودیت‌های شدیدی که دولت ایران بر سیستم‌های ارتباطی همچون تلفن همراه، پیامک‌های تلفنی، و اینترنت اعمال کرده است دسترسی به اخبار بسیار دشوار است.

تظاهرات معترضان در میدان هفت تیر - چهارشنبه

احمدی نژاد مهر تایید زده خواستار پایان ناآرامی‌ها شده است. جان لاین خبرنگار بی‌بی‌سی در تهران می‌گوید که مخالفان به فشار خود بر دولت ادامه می‌دهند.

او می‌نویسد: "از طرف دیگر برداشت من این است که دولت واقعا یک پاسخ جامع تدارک ندیده است، و در عوض به نوعی مشغول آزار مخالفین است."

به گفته او درحال حاضر نه تنها از جنب و جوش مخالفان کم نشده بلکه ابتکار آنها در حال قوت گرفتن است.

او می‌گوید: "آنچه نتایج انتخابات باعث فوران آن شده، یک حس شدید سرخوردگی است، خشمی که طی دو سال زندگی در اینجا حس کرده‌ام. مردم خیلی از دست سیستم عصبانی و سرخورده هستند، سیستمی که به نظر می‌رسد با آنها برخورد می‌کند."

۲۸ خرداد ۱۳۸۸

* پیوندها *

سردبیر نشریه: منصور نجفی

mansour.nadjifi@telia.com

ایمیل روابط عمومی سازمان

public@rahekgargar.net

تلفن روابط عمومی سازمان

0049-69-50699530

شماره فاکس سازمان

۳۳-۱-۴۳۴۵۵۸۰۴

سایت راه کارگر

www.rahekgargar.net

سایت رادیو برابری

www.radiobarabari.net

سایت اتحاد چپ کارگری

www.etehadchap.org

سایت رادیو صدای کارگران ایران

www.sedayekargaran.com

نشر بیدار

www.nashrebidar.com

نشریه انگلیسی ایران بولتن

www.iran-bulletin.org

توجه: مقالاتی که با کد "دیدگاه" مشخص

میشوند، الزاماً بیانگر مواضع سازمان نیستند.